

بدون استثناء چه از طرف رشت خراسان جای دیگر را خارج داخله بنده که یکی از نمایندگان هستیم او اولاد دولت و ملت می دانم چونکه در این اساس خدمت کرده است و عرض کردم هر اولاد هم که صالح نمی شود بلکه اولاد طالح هم میشود فرض از آن اشخاصی که خدمات آنها را بنده برای امین دیده ام و مشاهده کرده ام در آن جنک های شدید یکی یار محمد خان کرمانشاهی است آن جنک هائی که کرده و سینه هائی که سپر بلانموده است در تاسیس دولت مشروطه کرده است و از بغیر اشخاصی است که در این دولت خدمت کرده است و بنده در آن جنک ها از آقایانیکه پیش جنک بوده است و خودم دیدم یکی همین است و با اعتقاد بنده هر کس که در این جا از این اولاد ها بوده اند یک مختصر ناخلفی داشته اند و خودمان هم گفته ایم یک تأدیبی بنظر اولاد بی آنها بشود که خیلی بهتر بشوند و چون برای اولاد دلم میسوزد لهذا سه مسئله از آقای وزیر داخله که اینجا تشریف دارند سؤال دارم یکی این است که یار محمد خان چطور رفتند و چطور او را راه انداختید و کجا باید برود و یکی آسودگی او را چه در راه و چه در جانی که هست کی فراهم خواهد نمود اینها را جواب بدهند که بنده آسوده باشم.

وزیر داخله - یار محمد خان کرمانشاهی را در روز قبل بکرمانشاهان فرستاده اند چون داخل در نظامی بود از طرف وزارت جنک فرستاده شد به کرمانشاهان و دو بیست و بیست و چهار تومان هم مخارج راه باو دادند تا کرمانشاهان که محل خودش است می برند او را و بعد قیدی نخواهد داشت.

هشترودی - چون عرض کردم که اینها بمنزله اولاد دولت هستند باز بطریق سؤال عرض میکنم در کرمانشاهان اگر توقیف کردند یک قدری شاید نسبت بآنها نیکه مخالف بودند در تاسیس این اساس باو اهانتی بشود بد بگذرد بنده میخواهم عرض کنم اسباب آسایش برای او فراهم آورده اند که مبتلا بشمات آن اشخاص نشود که اسباب زحمت او بشود یا خیر.

وزیر داخله - مخصوصاً این نکته رعایت شده چه نسبت باو وجه نسبت باشخاصیکه خودشان رفته اند یا آنها را فرستاده اند این قسم رعایت شده است غیر از حکومت مرکزی که این اقدام کرده است از کسانی دیگر توهینی نشود.

رئیس - آقای عز الملک مطلبی داشتید آنوقت که اجازه خواستید مجال نشد حالا بفرمائید.

عز الملک - مقصود از عرض بنده این بود اصلاحاتی که فرمودید نمایندگان در نطق خودشان مینمایند اصلاحاتی است که مطلب را هم تغییر بدهد یا اصلاحات الفاظ است این مسلم است اصلاحات باید طوری باشد که مطالب را تغییر ندهد فقط اصلاح الفاظ باشد.

رئیس - همانطوریکه عرض کردم گویا مطلب واضح بود عرض کردم که بعضی مطالبی که پس و پیش و عبارانش غلط میشود اصلاح کنند نه اصلاحی که معنی کلی تغییر میکنند فقط بعضی الفاظی که افتاده است آنها را میتوانیم اصلاح کنیم و چون در

تغییر دستور فراموش شد عرض کنم هیئت اداره مباشرت را هم جلسه دیگر مین باید نکنیم .
مجلس یک ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۳۲

صورت مجلس یوم شبیه

هشتم ربیع الثانی ۱۳۳۵

مجلس سه ساعت و نیم قبل از فروب آفتاب بریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع رسماً تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه شام را آقای معاضد الملک قرائت نمودند غائبین جلسه قبل آقای حاجی سید نصرالله - دکتر اسمعیل خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - ناصر الاسلام با اجازه غایب بودند .

آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده بودند حاج مصدق الممالک - آقای طباطبائی - حاج آقا - آقا شیخ علی فارسی - آقا سید ابراهیم مدرس - لواء الدوله .

رئیس - ملاحظاتی در صورت مجلس هست **بجهت** - در لایحه منع احتکار که در جلسه آقای مشیر حضور تقاضای فوریت آنرا کردند در صورت مجلس نوشته شده است با اکثریت رد شد و این صحیح نیست بجهة اینکه آن اشخاصی که قیام نکردند معلوم نیست که آنها امتناع از رای کردند یا رد کردند و اینهم هنوز معلوم نیست که امتناع کنندگان جزء رای دهندگان محسوب نمی شوند پس در همچو صورتی باید گفت که با کثرت پذیرفته نشد .

رئیس - تصور نمی کنم تفاوتی داشته باشد ترتیبی که فرمودند با ترتیبی که تا بحال مجری بوده است دستور امروز انتخاب دو نفر اعضای اداره مباشرت قانون منع احتکار را گرفت پیدا کردیم قانون ثبت اسناد در این موقع شروع باخذ آراء از برای دو نفر مباشر مطابق ماده ۹۳ نظامنامه راجع گردید و آقای آقا میرزا ابراهیم خان بطور قرعه استخراج اسامی سه نفر از برای استخراج آراء نمودند و آقایان اسدالله خان کردستانی و شاهزاده لسان الحکماء و مشیر حضور بطور قرعه معین شدند

رئیس - عده اوراق رای در اینجاست مشورده میشود در موقع تنفس در خارج استخراج بعمل می آید یا کتبه رای و مهره های تفتیشیه شماره و عده ۶۸ اعلام شد .

رئیس - شعبه های دویم و سوم و چهارم راپورت خودشانرا نداده اند خواهش می کنم تا فروب راپورت خودشان را بدهند حالا قانون منع احتکار از ماده دو قرائت میشود .

آقای زنجانی - پیشنهادیکه فرموده اید در جلسه سابق پنج خرداد رای گرفته شد و در شد دیگر باین پیشنهاد رای گرفتن چون تقریباً همان است صحیح نیست .
آقای شیخ ابراهیم - چون مطابق دیگر هم دردد .

رئیس - چون ماده اول شورش تمام شده در شورش دوم رای می گیریم ماده ثانیه را بعنوانیه (ماده ثانیه قانون منع احتکار) بمبارت ذیل قرائت شد ماده ثانیه - هر گاه پس از تفتیش و تحقیق به حکومت و بلدیة محقق شد که کسی صورت جنس موجودی خودرا نداده یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده

حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس انبار را بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .

مخبر کمیسیون داخله (افتخار الواعظین) تغییراتی که در ماده ثانیه داده شده است استدعای کنم مرقوم دارند بطوریکه بنده قرائت می کنم (بمبارت ذیل قرائت گردید) .

ماده ثانیه - هر گاه پس از تفتیش و تحقیق به حکومت و بلدیة محقق شد هر کس صورت جنس موجودی خودرا ندارد یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده حکومت حق دارد با حضور مدعی العموم با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی در وقت صاحب جنس آن انبار را قبل از انبار سایرین بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد در وقت مذاکرات البته این تغییرات که در نظر آقایان باشد البته عقاید و افکار نسبت بماده که سابق نوشته شده است بدون این تغییرات است تغییر خواهد کرد .

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - این قانونی که اینجا آمده این بهترین قانون است که برای راحت عموم اینجا وضع میکنند ولیکن باید قدری تأمل کرده این طوریکه وزیر داخله گفت اول باید ترتیب اجرا و ترتیب پیشرفت قانون را بنده بعد قانون وضع کرد تا اینکه اسباب رحمت آن ضعیفانیکه می خواهیم اسباب راحت آنها را فراهم بیاوریم نشود و بلاوه دست دولت را هم که باید آنرا اجرا بکنند نیندد و مردم را هم از قانون مزجر بکنند و شما که مردم را مکلف کردید که از جنس خودشان صورت بدهند هر گاه صورت ندادند خرمنهارا برداشتنند هر کس خریدنی بود خرید هر کس فروختنی بود فروخت ان وقت صورت هائی بدلت دادند اما دولت بآن صورتها اکتفا خواهد کرد یا خواهد کرد پس باید دور دهات و مصیبات و خرها بلکه تمام خانها بیفتند اسفندار کنند به بینند در آن خانهها انبار هست یا نه بفر - صورت داده است و انبار هم در یک جا هست به بینند که صورتی که داده است صحیح است یا خیر نوشته اند در سال آنقدر از برای مخارج خودمان لازم است صحیح است یا خیر این یک اسبابی است که کلیه مردم را متفر میکند و دولت هم نمی تواند اجرا بکنند و اسباب رحمت میشود هیچ وزارتخانه هم از عهد اینکار بر نخواهد آمد و این اسباب رحمت به بیت بیچاره خواهد شد باز اگر کاری بخواهند بکنند بمقیده بنده آنستکه در هر جانی که محسول هست اولاد دولت یک نفر مأمور از طرف خودش در آنجا بگذارد به بیند این محسول چه می شود لجا انبار میشود کی - میخورد اینکه بهتر از این است حظه دور خانه ها بیفتند و در خانه های مردم گردش کنند به بینند کی انبار دارد کی ندارد از مقداری که صورت داده بیشتر است یا کمتر بملاوه بعد از آنکه یک چنین کار بزرگی دولت کرد و این همه رحمت بمردم دادند و این قسم اسباب دردسر برای دولت شد آنوقت دیدند بکنند تخلف کردند است چه خواهند کرد عوض این تخلف در موقع لزوم مثل اینها که صورت داده اند جنس او را خواهند فروخت این چه مجازاتی است با او عمل میشود همانطور که با آنکه صورت صحیح داده عمل میشود آنهم آنستکه وقتی

جنس گران شد در موقع لزوم و موقع حاجت دولت انبارها را باز میکند و از آنها بفروش میرساند اول انبار آنها را که صورت نداده اند بصورت صحیح نمانده اند باز میکنند این چه مجازاتی است برای صورت ندادن اینصورت نداده و تخلف از این کار بزرگ کرده این چه مجازاتی شد چه تفاوتی دارد این با آنها که انبار نکرده اند یا انبار کرده اند و صورت صحیح داده اند این هیچ فایده ندارد بقیده من این قانون خیلی مهم است میخواهم در تمام ایران و دهات و غیره جاری شود اسباب زحمت رعایا نشود و کلیه مردم از این منتفع شوند مالکین و مستأجرین حقوق خودشان را ایفا نمایند که حقوق آنها ضایع نشود میدانید همه نصف علت جلای وطن ایرانیان و اغشاشانی که در ولایات میشود راجع است باین احتکار این مطلب باین مهمی را نمی شود باین دو جمله رفع کرد این را باید یک ترتیب صحیح داد و طوری کرد که در اجرا اسباب زحمت ضاعف نشود و انتفاعی حاصل شود از برای مملکت و از برای ضعفا و فقرای مملکت والا دو کلامه قانون نوشته و معین کردن که حکومت و بلدی به برود صورت بگیرند باین ترتیب بنده گمان نمی کنم فائده داشته باشد بلکه کاری که برای ضعفا نمیشود بعکس اسباب زحمت آنها فراهم میشود.

مهززالملک — بنده وقتی که این ماده تالیف نوشته شده بود بدون اصلاحاتی که آقای مخبر فرمودند مخالف بودم و حقیقتاً این اصلاحات آقای مخبر مخالفت بنده را بیشتر کرده بجهت اینکه در اصلاحات نوشته اند با حضور مدعی العموم بفرمایند بدانند در چند نقطه مملکت ما اداره مدعی العموم داریم که انبارها را موقوف کنیم بحضور مدعی العموم بنده در این ماده دو نظر دارم یکی آنکه اگر مجلس تصویب و موافقت نکند این ماده برگردد بکمیسیون بجهت اینکه در این ماده در مجلس هر چه مذاکره شود نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد برای اینکه بنده بکمیسیون عرض کردم دیگر یک پیشنهاد و همینطور پیشنهادهای مختلف بقدری پیشنهاد خواهد شد که یک چیزی آراء متفق نخواهد شد این نظر اول بنده است که اگر آقای مخبر این نظر اول بنده را قبول کنند و برگردانند بکمیسیون که در آنجا اصلاحاتی شود عرض دیگری نخواهم کرد و اگر این عرض بنده را قبول نفرمایند و ماده را مسترد نمانند بنده یک پیشنهادی کرده ام که تا یک درجه رفع بعضی محظورات را خواهد کرد بنویسند هر گاه پس از تفتیش و تحقیق بر حکومت و بلدی به محقق شد که کی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده حکومت حق دارد بقول خودش تصور کرده و یک حکم دوباره آنها کرده و این غلط است برای خودش دو حکم لازم است یکی ممکن است اصلاح صورت انبار خودش را ندهد البته با آنکسی که صورت انبار خودش را داده ولی صورت حقیقی را نداده در یک حکم نیست بجهت اینکه آنکه صورت نداده از حکم کلی تخطی کرده است لکن این که صورت داده از حکم کلی تخطی نکرده است آنوقت در مجازات انبار هر دو را حکومت حق دارد بفروشد اگر میخواهند یک مجازاتی قرار بدهند آن مجازات یک چیزی است که اینجا نیست علاوه بر اینکه فروختن مال غیر فقط بواسطه این تفسیر که صورت جنس خودش را نداده این یک مجازات بزرگی است که تصور نمیکنم آن را

توان در حق او جاری کرد علاوه بر اینکه موافقت با شرح که ندارد ولی این پیشنهادی که بنده داده ام در صورت دوم که اضافه بر آن مقدار یک صورت داده است انبار کرده مثلاً بیست خروار انبار ۱۸ خروار صورت داده این را نمی توانیم بگوئیم تمام آن بیست خروار را بفروشد بنده پیشنهاد کرده ام که این قدر زیادی که عبارت از آن دو خروار است آنرا بفروشد بجهت اینکه در اینصورتی که بگوئیم تمام آن جنس را بفروشد ممکن است در موقعی باشد که جنس خریدار نداشته باشد آنوقت بکسر فوق العاده با و وارد خواهد آمد مقصود اینست که این ماده خیلی غلط است و خیلی اسباب زحمت خواهد شد بنده یک اصلاحی پیشنهاد کرده ام ملاحظه بفرمائید.

فیرالسلطان — میخواستم عرض کنم که بنده یکی از اعضاء کمیسیون هستم و کمیسیون از این مدعی العموم که در اینجا اضافه شده است ابتدا اطلاعی ندارند این را گویا خود آقای افتخار الواعظین زیاد کرده است.

افتخار الواعظین — خیلی بد است که شخصی که یک مسئله را درست تحقیق نکرده است در مجلس شورای ملی یک نسبتی بیک نماینده بدهد اما شما عرض کنم قوانینی که وضع میشود بآن شکلی که از کمیسیون خارج میشود بآن شکل مجلس نمی آید باید بنظر مبارک آقایان برسد (اشاره بجای امام جمعه و آقای مدرس شد) و هر ملاحظه که بنظر شان میرسد بنمایند آنوقت اصلاحاتی که بنظر آقایان رسیده است زیاد شده بمجلس می آید بنده از خود چیزی باین راپورت بعد از آنکه از کمیسیون برگشته است اضافه نکرده ام لکن بنظر آقایان رسیده است و آن لفظ مدعی العموم را آقایان زیاد کرده اند آن اصلاحاتی هم که در بعضی مواد شده است از طرف بنده نیست وظیفه خود را میدانم وظیفه بنده که مخبر کمیسیون هستم این نیست که چیزی بر این وقت که از کمیسیون آمده است بیفزایم یا کم کنم ولی عرض میکنم تمام تغییراتی که داده شده است تعلم آقایان است حالا مجری میشود یا نمی شود صحیح است یا صحیح نیست ابتدا ربطی به بنده ندارد.

حاج سید ابراهیم — عرض میکنم بنده هم با آقای مهززالملک بماده مخالفم بجهت اینکه میگویند هر که را یک مجازات قرار داده اند یعنی از برای هر دو قسم چه آنها که اصلاً صورت نداده اند چه آنها که صورت را کمتر از میزان که انبار کرده اند داده اند اینهم ابتدا ضرری ندارد برای اینکه آن جنس را که انبار کرده و محتاج بآن نیست بیاورند و بفروشد چه ضرر دارد چه صورت نداده باشد چه صورت داده باشد و کمتر صورت داده باشد.

رئیس — بنده در باب ماده اجازه دادم که اگر نظری دارید بفرمائید نه اینکه اگر اعتراضی به اظهار آقای مهززالملک بنظرتان رسیده بیان کنید

حاج سید ابراهیم — از بابت ماده عرض میکنم چون لفظ مباشر را گفتند زیاد شود بجای حکومت محل در ماده اول بنده عقیده ام این است که لفظ حکومت محل را زیاد کنند که شامل حکومت شهرها هم بشود علاوه بر همه جا حکومت محلی و بلای نداریم بنده خواستم عرض کنم که فقط لفظ ریش سفیدان را هم زیاد کنند که با حضور چهار نفر از

ریش سفیدان محل آن جنس زائد را بفروشد و آن لفظ مدعی العموم را هم بنده مخالفم بجهت اینکه این یک چیز است که می توانیم آنرا اجرا کنیم و اگر نباشد که این را زیاد کنیم و قید کنیم این هیچ درست نمی شود.

افتخار الواعظین — این ماده برگردیده کمیسیون آقایان هم تشریف بیاورند و در آنجا مذاکره شود.

رئیس — این ماده را مخبر تقاضا کردند بر کرد بکمیسیون آقایانی که نظریاتی دارند تشریف می برند آنجا نظرات خودشان را اظهار میدارند یک پیشنهادی از طرف مهززالملک شده است خوانده میشود.

مهززالملک — در صورتیکه رجوع بکمیسیون میشود لازم نیست خوانده شود بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم.

رئیس — اصلاح شما خوانده شود.

حاج سید ابراهیم — آنرا هم رجوع به کمیسیون فرمائید.

رئیس — ماده ثالث را بخوانید - بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده نهم - فروش جنس و نرخ بکلی آزاد است ولی کسانی که جنس خود را بفروش می رسانند یا مصارف آنها زیادتر از تعین ابتدائی شده صورت آنرا بلدی و حکومت اطلاع خواهند داد.

آقای شیخ ابراهیم - این ماده را هم بنده بی فایده می دانم بجهت اینکه می نویسد فروش جنس آزاد است چه صورت داده اند یا صورت نداده اند تلف از قانون کرده اند یا نکرده اند فروش آزاد است مثلاً رعیتی یا یک مالکی یا زده خردار جنس دارد در ده چهار خروار دو خروار یا یک خروار او را فروخت بیاورد به شهر بگوید یک خروار از گندم خود را فروختم این که نمی شود از آنجا هم تاشهر ده فرسخ است یا بیست فرسخ ما می خواهیم رفع زحمت بکنیم این اسباب زحمت است این ترتیب برای این قانون خیلی کوچک است و این قانون خیلی بزرگ است.

افتخار الواعظین — اگر رجوع کنیم بقانون منع احتکاری که در کمیسیون مشکرات آمده بود و پیشنهادهایی که در آن شده بود خواهیم دید این بهترین قانون است که در خصوص منع احتکار بمجلس آمده است اینجا نرخ و فروش جنس آزاد است ما هیچ نمی توانیم بگوئیم مردم که جنس خودشان را بفروشد یا بفروشد نه بختی تو مان بفروشد یا بدهد تومان شاعر مقدس مقرر کرده است وقتیکه مردم محتاج شدند بجنس و کسی جنس انبار کرده است آنوقت احتکار مصداق پیدا میکند والا اگر بنده پنجاه هزار خروار جنس انبار کرده باشم و مردم محتاج بآن نباشند آنرا نمی شود بهیچوجه اسم احتکار گذاشت و احتکار اینجا مصداق پیدا نمیکند عرض میکنم در ماده اولی که گفته شد صورت که آورد پنجاه خروار صورت داده می گویند بیست خروار برای بنده و مساعده لازم دارم ده خروار برای مصارف خود

۲۰ خروار زیادی دارم در موقع حاجت اگر چنانچه حکومت احساس تنگی غله کردید مردم محتاجند موافق آن صورت بانباردارها اخطار می کند که جنس خودشان را مطابق صورتیکه داده اند و همین کرده اند فلان قدر زیادی است آنرا بفروشد مثلاً در همین فرض که کردم آن ۲۰ خروار زائد را میگویند بفروش و اما اینکه آقای زنجانی می فرمایند که از پنج فرسخی باید بیاید من یک خروار جنس خود را فروختم این اعتراض وارد نیست بجهت اینکه آن فقط مباشر را که بنده قبول کردم برای این بود که این اشکال را فرمایند و او ۲۰ فرسخ نیاید بنده که گمان می کنم برای منع احتکار بهتر از این قانون نتوانیم وضع کنیم و از طرف کمیسیون از تمام آقایانی که بعد از این جا تشریف خواهند آورد و مذاکره خواهند کرد و خواهند فرمود که این قانون خیلی کوچک است استدعا میکنم هر پیشنهاد اصلاحی بنظرشان میرسد بنویسند بکمیسیون قبول خواهند کرد.

حاج شیخ رئیس — پر واضح است که هیچ صاحب وجدانی در موقعیکه قانون منع احتکار بنده کرده می آید البته نباید طوری حرفی زد که شبهه بخاطر بعضی حاصل شود که حاجی احتکار یا محکومین است بخصوص در حق بنده که بجز خرمن مهووشه پروین که آن هم بدو جو مالک هیچ چیزی نیست و خیلی مایلیم که قانونی مثل قانون منع احتکار بمجلس بیاید وضع شود.

منع احتکار در نظر بنده از منع اشاعه خرمن و مسر خیلی اهمیتر است و برای اینکه بدانند که این دعوا را از روی برهانی و میزانی عرض میکنم استدعا میکنم کسانی که متوجه بماده احتکار و حکر هستند و اطلاع از لغات عربیه دارند در لغت نگاه کنند هیچ لغتی را من ندیدم در صحاح و صراح و قاموس و غیره از کتب لغت که باین شدت معنی کرده باشند در قاموس در حکر میگویند اسامه العارشه والظلم واللجاجه و استبداد قاموس را بخوانند پس بنده بالینکه این کلمه را بنظر برای اطلاع و استحضار نمایندگان محترم معنی کرده ام هیچ نمیتوانند نمایندگان محترم نوم بفرمایند که بنده حامی احتکار و محکومین باشم لکن متأسفانه بنده عرض میکنم نه باین ماده که مطرح است مخالفت و ضدیت دارم بلکه اجرای این قانون را در ولایات اسباب مسر و حرج میدانم و وسیله یک بریشانی و مزید درماندگی برای فقرا و ضعیفان و این عاید همان فقرا و ضعیفان که ما خودمان را حامی آنها میدانیم خواهد شد و اینهم مثل سایر قوانین که من آنها را مقدس می دانم لکن در مقام اجرائی وقتاً بوقتاً کردند که مردم از قانون واز مقنن بکلی بیزارند.

مهززالملک — بنده هم موافقم با آقای حاجی شیخ رئیس و با ماده مخالفم و هیچ هم تصویب نمیکنم این ماده را عرض می کنم که این ماده برود بخروار غله حمل کرده ام سی خروار از برای خودم بیست خروار دیگرش زیادی است دیگر احدی در مقابل این حرف و صورتی که بنده حق ندارد که هیچ چیزی از او مطالبه کند و اما در باب

اگر بنا شد از جنس خودش صورت بدهد آنوقت باید از آن مقداری هم که میفروشند صورت بدهند نمی شود گفت جنس خود را بصورت بده اما آنچه میفروشی صورت ندهد این مورد ماده که هیچ اشکال ندارد بنظر بنده همین ماده است این تمه ماده اولی است و هیچ اشکالی ندارد.

بجهت — فلسفه این قانون را که نگاه کنیم می بینیم که برای سهولت کار است که بفرا خوش بگذرد و بدیهی است که این در چه موقعی بدرد خواهد خورد در موقعی که گرانی باشد در کجا اجرا میشود در تمام ایران و در تمام ایام و حال این که ممکن است گرانی در یک نقطه باشد یک زمان مخصوصی باشد و ما یک زحمت فوق العاده بردم وارد می آوریم در تمام ازمته برای اینکه می خواهیم رفع یک زحمتی از آنها بکنیم در یک زمان مخصوص و در این مواد یکی یکی که نگاه می کنیم العاقبتی را که گذشته است و رفته است در کمیسیون کاری ندارم مثلاً همین جا اجمال دارد نمی دانم جو و برنج داخل است یا داخل نیست چون بعضی جاها داخل در جنس است از این گذشته این ماده باین ترتیبی که نوشته شده است مردم را مجبور ببعوض تکلفات می کند یکی این که باید تحصیل سواد کنند تا اینکه اطلاعات خودشان را کتباً بدهند و یکی دیگر از تکلیفات فوق العاده اینست که باید یک دفترتی هم داشته باشند که اگر جنس خودشان را فروختند در آنجا بنویسند و چهار تا شاهد هم بگیرند برای اینکه وقتی که از ایشان مطالبه می شود اگر بگویند تمام گذشته ها را فروخته ایم که از آنها قبول نخواهند کرد برای خاطر این که این باید به وقت تحقیق برسد که این صورتی را که داده است صحیح است یا نه و ممکن است بگویند دروغ می گویند یا این که بآن کسی که فروخته نشان بدهد ما اینجا نوشته ایم که هر چه گفتند صحیح است و بشهی است که در این صورت چه در اسباب زحمت مردم خواهد شد پس بنده تقاضا می کنم که اینها برود بکمیسیون و یک چیزی نوشته شود که بدرد مردم بخورد والا این مواد دارای مضرات فوق العاده خواهد بود و اگر چیزی را که ما اینجا می خواهیم خرج بکنیم همانها را اگر هم از خارج بخریم و بیاوریم مردم بدیهی خیلی بهتر از این خواهد بود و رفع گرفتاری آنها را خواهد کرد.

معاضد الملک — بنده همین قدر بطور اختصار در جواب آقای افتخار الواعظین عرض میکنم که ایجاد یک همچو اداره تفتیش برای رسیدگی اگر خیلی سهل و آسان بود خوب بود در این مدت این حدیث را برای تأسیس اداره تفتیش وزارت مالیه می کردند بیش از این سعی و اصرار نکنند که این قانون یکی از قوانین مشکله خطرناکی است برای رعایا و فقرا و بنده کتباً تقاضا کرده ام که برگردد بکمیسیون داخله که اعضاء جدید کمیسیون داخله تجدیدنظری در این لایحه بکنند و ثانیاً بمجلس پیشنهاد نمایند که قابل اجرا باشد و الا وضع قانون خیلی کارسلی است و در انتظار مردمم جلوه میکند لکن موقع عمل را باید در نظر گرفت که آنوقت شما یک راه دخیل برای مباشرین و مأمورین و متنفذین جزء دهات ایجاد خواهید کرد.

رئیس — تقاضای است از طرف آقای معاضد الملک شده است خوانده میشود [قرائت شد].

قانون منع احتکار از ماده ثالث بعد رجوع شود بکمیسیون داخله که در آن تجدیدنظری شده ثانیاً بمجلس پیشنهاد نمایند.

حاج سید ابراهیم — بنده با این تقاضای آقای معاضد الملک مخالفم.

رئیس — اول باید ببینیم که مذاکرات کافی است یا خیر.

(گفتند کافی است.)

حاج سید ابراهیم — بنده عرض میکنم که لایحه این باید دو شور در آن بشود و این شور اول است و معنی شور اول این است که بعضی نظریات در آن معلوم بشود و برود بکمیسیون و در شور دوم رای گرفته شود از این جهت بنده مخالفم با

این تقاضا برای اینکه این لایحه بکمیسیون برود و تقاضای این را که رجوع شود بکمیسیون بنده نمیدانم یعنی هیچ معنائی ندارد.

رئیس - صحیح است از این جهت گویا در این تقاضا نتوانیم رأی بگیریم برای اینکه درشور اول فقط مذاکره است و اخذ رأی نمی شود و حالا چون مذاکرات در این ماده کافی است میگذریم به ماده چهارم.

(ماده را به بیارت ذیل فرانت شد) در موقعی که هیئت مصدق تصدیق کمی جنس برای ارضای لازم شهر نمایند حکومت باید مطابق صورتی که از اربابداران گرفته شده و در کتابچه مخصوصی ضبط است احطار و الزام کند که بر حسب تقسیم ابار داران باید از جنس خود پنرخ عادل روز بفروش برسانند چنانچه پس از احطار آنها و الزام جنس خود را فروشنده حکومت مکلف است با اطلاع انجن ولایتی و انجن بلدی و گذشتن موعده مقرر که از ابتدا معین کرده اند انبار را بز کرده جنس آنها را بقیمت عادل بفروشند و وجه انرا نقدا بدون کسر تسلیم صاحبان جنس بنمایند و هر حروری یک تومان مجازات مدعی از محکوم دریافت خواهد شد.

افتخار الواعظین - بار بشرط اینکه آقایان نفرمایند که این تغییر بقم بنده شده است بعضی تغییرات که بقم آقایان شده است عرض می کنم در موقعی که هیئت مصدق تصدیق کمی جنس و حاجت مردم برای ارضای لازم شهر نمایند حکومت باید مطابق صورتی که از اربابداران گرفته شده و در کتابچه مخصوصی ضبط است احطار کند که بر حسب تقسیم ابارداران باید از جنس خود پنرخ عادل روز با وقت معین بفروش برسانند چنانچه پس از احضار آنها جنس خود را بفروشد حکومت آنها را اجبار می کند که جنس خود را بقیمت عادل روز بفروشد در صورت امتناع حکومت با حضور مدعی - العموم با اطلاع انجن ولایتی و انجن بلدی و گذشتن موعده مقرر که از ابتدا معین کرده انبار را بز کرده جنس خود را بقیمت عادل روز می فروشد و وجه انرا تسلیم صاحبان جنس نمایند و در نیمه اول قیمت بابت حق الزحمه مباشرین فروش دریافت خواهد شد.

تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تشخیص حاجت و تعیین قیمت عادل روز هیئتی باسم هیئت مصدق در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حاکم و مدعی العموم مرکب از سه نفر از اعضای انجن ایالتی یا ولایتی و سه نفر از اعضای بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بعد بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است.

مقیم السلطنه - بنده در این ماده و سایر مواد مخالف هستم برای اینکه همین مدعی العموم هیئت مصدق را برای یکجا اینکه حاکم ولایه داشته باشد لابد معین کرده اند چنانچه در ماده مدعی گوید و این باز شامل نقاط نخواهد بود و آن نقطه مورد تمدی مباشرین خواهد شد و آن مباشرین و حکام را هم بنده شخصاً

اطمینان دارم که بآن ده و نیم که خواسته اند صورت شرعی بآن بدهند نخواهند قناعت نمود بلکه تمام قیمت را از او خواهند گرفت و برای اینکه مذاکرات تمام بشود چون میبینم که در ضمن مذاکره در مواد داخل کلیات میشود بنده استدعا می کنم که انلا در مواد وقتیکه مذاکره می کنیم اظهارات خودمان را محدود بمان بکنیم و داخل در کلیات نشویم تا این که از مذاکرات بتوانیم نتیجه بگیریم.

حاجی سید ابراهیم - بنده خاطر آقایان را متذکر می شوم که این قانون اصلاح اداراتشان را نخواهد کرد حکومت یا مباشرین مالیه اگر بخواهند تعدی بکنند باین قانون تادیب نمیشوند و این قانون برای جلوگیری آنها وضع شده است این قانون برای این وضع شده است که وقتی جنس کم بشود دولت بداند جنس در کجا است یا از پول دولت بخرد یا اینکه صاحب جنس را مجبور کند بفروشد یا اینکه بگوید علتی کن دیگر قرار داده غیر مترقبه را نباید از این قانون متوقع بود و بنده از آقایان محترم استدعا میکنم اگر اوقاتشان تلخ نشود که دیگر این نسبت را بآقایان ندهند که آقایان همچو رای دادند آقایان هم مثل سایر نمایندگان هستند.

رئیس - این جزء ماده نبود. حاج سید ابراهیم - چرا جزء اصلاح مخبر بود بنده بواسطه لفظ مدعی العموم پیش مخالف هستم.

رئیس - اعتراض بمخبر جزء مطلب نیست. حاج سید ابراهیم - و از باب هیئت مصدق که میفرمایند در نقطه جزء یعنی ولایتی که حکومت رسمی و بلدی ندارد از تعدی خواهد شد بنده پیشنهاد کرده ام که در آنجا ها با اطلاع چهار نفر رئیس سفید این ترتیب را معمول بنارند و رسیدگی بکنند و مقصود ما اروضع این قانون کلیتاً این است که در وقت تنگی جنس فراوان باشد و پیش از این هم از این قانون متوقع نیستیم.

محمد هاشم میرزا در صورتیکه میفرمایند اصلاحی بنمایند باید طبع توزیع بشود والا آقای مخبر یک اصلاحی را بدون اینکه طبع و توزیع بشود کمیسیون رای قطعی خودش را اظهار نماید و در صورتیکه هیچیک از اعضاء کمیسیون اطلاع ندارند میفرمایند بنده نمی دانم چه طور میشود که در آن رای گرفت برای اینکه این اول وقتی است که این مجلس میآید و ما نمی توانیم بدون سابقه بنویسیم و رای بدهیم و این یک ترتیبی است که برخلاف ترتیب این یک سال و نیم شده است.

رئیس - باز یاد آور میشود که این شور اول است و رای نمی گیریم در شور دوم رای خواهیم گرفت.

حاجی معین الرعایا - اینکه آقایان می فرمایند که اسباب زحمت قرا خواهد شد ابتدا ربطی بقرا ندارد بجهت اینکه قرا هیچ وقت نه مالکند نه مستأجر نه خریدار و چیزی که از مذاکرات

دیگری که هیچ ربطی بکمیسیون ندارد مخبر نمی تواند پیشنهادی بکند برای این که شاید کمیسیون یک دلیلی داشته باشد که اگر آقایان این مطلب را قبلاً پیشنهاد می کردند ولی کمیسیون آن دلایل را اقامه می کرد خودشان هم همراه میشدند اینست که استدعای کم از این بعد از کمیسیونها مطالبیکه رجوع میشود به آقایان علما و اصلاحاتی میشود دوباره رجوع بکمیسیون نمایند که آنها آن اصلاحات را به بینند و اگر مخالفتی دارند اظهار بکنند.

رئیس - پیشنهاد از طرف آقای حاجی سید ابراهیم شده اصلاح است از ماده چهارم خوانده میشود [بیارت ذیل فرانت شد] بنده پیشنهاد میکنم که در آخر تبصره این عبارت زیاد بشود در جاهائی که انجن رسمی نیست هیئت مصدق مرکب از مباشر و چهار نفر از پیش سفیدان محل خواهند بود آقا سید حسن مدرس - چون آقایان بعضی فرمایشات فرمودند ما تکلفمان این است که هر چه دادند باو گفتند نظریات در آن بکنند نظریاتمان را بکنیم دیگر به برند بکمیسیون یا نبرند راجع بما نیست و از این فرمایشات آقایان ما همچو فهمیدیم که اگر بعد از این نظریاتی داشته باشیم باید یکی یکی فرداً فرداً عرض بکنیم آن وقت می فرمایند که آقایان فهم الملک فرمودند موقع خودش ولیکن دو مسئله است که راجع است بفرمایشات آقای افتخار و رابورت کمیسیون که لازم است عرض کنم این قانونی را که از کمیسیون آوردند نزد ما دیدیم خیلی مطالبش بی ربط است از آنجمله با اطلاع انجن ولایتی یا ایالتی مال مردم را فروختن صورت شرعی ندارد و این بود که نوشتیم باید با اطلاع مدعی العموم باشد هر جا هست هر جا نیست که هیچ غیر مدعی العموم هیچ کس نمی تواند در امور مردم تصرف بکند لکن در کمیسیون انجن ولایتی یا ایالتی را موقوف فرموده بودند ما خواستیم بآنهادست بزنیم گفتیم آنها هم باشد ضرر ندارد بجهت اینکه در مورد حفظ مال مردم است لکن مدعی العموم هم باید باشد برای اینکه غیر از مدعی العموم نمایانم ولایتی نه بلدی نه پارلمان نمی تواند در امور نوعیه تصرف بکند از این جهت اطلاع مدعی العموم را در این قانون لازم دانستیم حالا هر جا که مدعی العموم نیست تکلیف دیگری دارد و هر جا است باید امور نوعیه را مدعی العموم متکفل شود برای اینکه وجود مدعی العموم برای همین است و همچنین باقی تصرفاتی که در وقت حاجت و سایر اصلاحات دیگر باشد آنها هم بنظر ما رسیده اظهار کردم دیگر ترتیب قانونیش بعهده دیگری است میخواهند بکمیسیون بفرستند می خواهند بفرستند (تبصره بیارت ذیل فرانت شد) برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادل هیئتی باسم هیئت مصدق در اداره های حکومتی در تحت نظر شخص حاکم مرکب از سه نفر از اعضای انجن ایالتی یا ولایتی سه نفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است.

رئیس - پیشنهاد از طرف آقای حاجی سید ابراهیم شده اصلاح است از ماده چهارم خوانده میشود [بیارت ذیل فرانت شد] بنده پیشنهاد میکنم که در آخر تبصره این عبارت زیاد بشود در جاهائی که انجن رسمی نیست هیئت مصدق مرکب از مباشر و چهار نفر از پیش سفیدان محل خواهند بود آقا سید حسن مدرس - چون آقایان بعضی فرمایشات فرمودند ما تکلفمان این است که هر چه دادند باو گفتند نظریات در آن بکنند نظریاتمان را بکنیم دیگر به برند بکمیسیون یا نبرند راجع بما نیست و از این فرمایشات آقایان ما همچو فهمیدیم که اگر بعد از این نظریاتی داشته باشیم باید یکی یکی فرداً فرداً عرض بکنیم آن وقت می فرمایند که آقایان فهم الملک فرمودند موقع خودش ولیکن دو مسئله است که راجع است بفرمایشات آقای افتخار و رابورت کمیسیون که لازم است عرض کنم این قانونی را که از کمیسیون آوردند نزد ما دیدیم خیلی مطالبش بی ربط است از آنجمله با اطلاع انجن ولایتی یا ایالتی مال مردم را فروختن صورت شرعی ندارد و این بود که نوشتیم باید با اطلاع مدعی العموم باشد هر جا هست هر جا نیست که هیچ غیر مدعی العموم هیچ کس نمی تواند در امور مردم تصرف بکند لکن در کمیسیون انجن ولایتی یا ایالتی را موقوف فرموده بودند ما خواستیم بآنهادست بزنیم گفتیم آنها هم باشد ضرر ندارد بجهت اینکه در مورد حفظ مال مردم است لکن مدعی العموم هم باید باشد برای اینکه غیر از مدعی العموم نمایانم ولایتی نه بلدی نه پارلمان نمی تواند در امور نوعیه تصرف بکند از این جهت اطلاع مدعی العموم را در این قانون لازم دانستیم حالا هر جا که مدعی العموم نیست تکلیف دیگری دارد و هر جا است باید امور نوعیه را مدعی العموم متکفل شود برای اینکه وجود مدعی العموم برای همین است و همچنین باقی تصرفاتی که در وقت حاجت و سایر اصلاحات دیگر باشد آنها هم بنظر ما رسیده اظهار کردم دیگر ترتیب قانونیش بعهده دیگری است میخواهند بکمیسیون بفرستند می خواهند بفرستند (تبصره بیارت ذیل فرانت شد) برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادل هیئتی باسم هیئت مصدق در اداره های حکومتی در تحت نظر شخص حاکم مرکب از سه نفر از اعضای انجن ایالتی یا ولایتی سه نفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است.

رئیس - این خیلی خارج از مطلب است برای اینکه در تبصره مذاکره میکنیم این مذاکره راجع است بماده چهارم.

حاج آقا - خارج از موضوع نیست راجع بهین تبصره است و چون در شور اول است باید این مطالب گفته بشود این انبارها غالباً در بیرون شهر هستند و در خود شهر نیست و باید جلوگیری بکنند وقتی هم که می خواهند جلوگیری بکنند و نگذارند که احتکار بکنند غالب صدقات آنکه از طرف دولت مأمور این کار هستند بر قرا و ضمناً وارد می آید.

رئیس - مذاکره در تبصره و در باب تصدیق کمی جنس است نه در خصوص انبار.

حاج آقا - بنده عرض می کنم در موقعی ما باید جلوگیری از این مطلب بکنیم و تصدیق کمی جنس بشود که همان مجامع عمومی باشد و خوب است اینقدر اشکالات را داخل مذاکرات نکنیم و البته در یک وقتی که احتیاج بجنس داریم و انجن ولایتی یا ایالتی یا آنکسی که عنوان مدعی العموم دارد یا آن کسی مدعی العموم را نصب میکند که او حاکم شرع است تصدیق کرد که این سنه مجامع است امروز روزی است که مردم احتیاجی بجنس ندارند امروز روزی است که هر کس جنس دارد باید جنس او را بیاورند و بین مردم توزیع بکنند آنوقت حکومت یا مباشر محل این کار را میکند و اینکه گفته شد که در همه جا مدعی العموم نیست راست است لکن آن نقطه نظری که در مدعی العموم هست که او را حق مداخله در این نوع کارها میدهد از نقطه نظر کسی است که نصب مدعی العموم میکند و آنها علما هستند و یک نفر از علمایم که در مجلسی اجازه دادند کافی است و هیچ اشکالی هم ندارد.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی نمیدانند [گفتند کافی است پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم مجدداً قرائت شد] .

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد).

حاج آقا - این تبصره ذیل همان ماده است که گذشت که ماده چهارم باشد چون در ماده چهارم نوشته شده است هیئت مصدق تصدیق کمی جنس را بکنند بنده با تمام این گفتگوها که میشود در آخر می دانم که این قانون باین ترتیب بماند ابتدا نخواهد گذشت ولی باید بدانیم در نقطه نظر و غرض ما از یکی قانون یک غرض عقلائی است یعنی علاوه بر این که شرعی است یک غرض عقلائی هم هست و آن این است که جنس ما به الاحتیاج عمومی است و نباید یک شخص یا چند نفر آنرا حبس بکنند این یک مطلب عقلی است که هیچ ربطی به هیچ چیزی ندارد و باید این را جاو گیری کرد و البته باید آنکه این مواد قانونی را می نویسند ملتفت باشند که آنکه این کار را می کنند فقط آن مالکینی هستند که زمینیه که زراعت شد آن قسمت از زراعت که راجع بآنها است یک گوشه حبس میکنند و نگاه میدارند.

رئیس - این خیلی خارج از مطلب است برای اینکه در تبصره مذاکره میکنیم این مذاکره راجع است بماده چهارم.

حاج آقا - خارج از موضوع نیست راجع بهین تبصره است و چون در شور اول است باید این مطالب گفته بشود این انبارها غالباً در بیرون شهر هستند و در خود شهر نیست و باید جلوگیری بکنند وقتی هم که می خواهند جلوگیری بکنند و نگذارند که احتکار بکنند غالب صدقات آنکه از طرف دولت مأمور این کار هستند بر قرا و ضمناً وارد می آید.

رئیس - مذاکره در تبصره و در باب تصدیق کمی جنس است نه در خصوص انبار.

حاج آقا - بنده عرض می کنم در موقعی ما باید جلوگیری از این مطلب بکنیم و تصدیق کمی جنس بشود که همان مجامع عمومی باشد و خوب است اینقدر اشکالات را داخل مذاکرات نکنیم و البته در یک وقتی که احتیاج بجنس داریم و انجن ولایتی یا ایالتی یا آنکسی که عنوان مدعی العموم دارد یا آن کسی مدعی العموم را نصب میکند که او حاکم شرع است تصدیق کرد که این سنه مجامع است امروز روزی است که مردم احتیاجی بجنس ندارند امروز روزی است که هر کس جنس دارد باید جنس او را بیاورند و بین مردم توزیع بکنند آنوقت حکومت یا مباشر محل این کار را میکند و اینکه گفته شد که در همه جا مدعی العموم نیست راست است لکن آن نقطه نظری که در مدعی العموم هست که او را حق مداخله در این نوع کارها میدهد از نقطه نظر کسی است که نصب مدعی العموم میکند و آنها علما هستند و یک نفر از علمایم که در مجلسی اجازه دادند کافی است و هیچ اشکالی هم ندارد.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی نمیدانند [گفتند کافی است پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم مجدداً قرائت شد] .

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد).

ماده پنجم الحاقی - اجرای این قانون بسته بر زمان لزوم و محللهائی است که حکومت یا مباشر یک ماه قبل اعلان نمایند و صورت اجناس باید تعیین شود.

حاجی شیخعلی - جمیع این اشکالاتی که بر ماده اول و ثانی و ثالث وارد آمد از یک نظر بود و آن همان نظر بود که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند که در اجرا گرفتار محظورات خواهیم شد چند محظور بیان فرمودند یکی اینکه میشود یک سالی که هیچ لازم نیست که صورت جنس ها را بدانیم و در این صورت که جنس فراوان است چرا بی جهت یک تحویل و زحمتی بر رعایا بشود پس بهتر این است که ما این قانون را یک نوعی وضع بکنیم که اسباب زحمت نشود برای همین بنده این ماده را پیشنهاد کرده ام که هر سال و هر زمان که سختی جنس باشد و برای مردم سختی بشود در آن زمان حکومت اعلان میکند که باید صورت جنس معلوم بشود و باین ترتیب عمل بشود والا اگر زمانی باشد که هیچ لازم نباشد صورت جنس و جنس فراوان معلوم باشد لازم نیست که یک زحمت فوق العاده بر مردم تحویل بشود در صورتی که هیچ محل لزوم نباشد این است که بنده این ماده را پیشنهاد کرده ام که اگر مجلس لازم بداند برود بکمیسیون.

رئیس - مجدداً پیشنهاد آقای حاجی شیخعلی قرائت میشود و در آن رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد) رئیس - رأی میگیریم آقایانی که این ماده الحاقیه را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) شور اول این قانون تمام شد عودت داده میشود بکمیسیون حالا تنفس داده میشود لکن عرض میکنم که بعضی از شعب رابورت داده اند خوب است در موقع تنفس انتخاب خودشان را بنمایند و رابورت بدهند همچنین بعضی از شعب فقط برای کمیسیون تفسیر اعضاء انتخاب کردند و فراموش کرده اند که برای کمیسیون هر ایش و کمیسیون مبتکرات هم عضو باید معین بکنند آنها همین خواهند کرد و رابورت خواهند داد حالا تنفس می شود (بعد از تنفس یک ساعت قبل از غروب مجدداً جلسه تشکیل شد)

رئیس - آقای مدرس اجازه خواسته اند چون در نقطه شان سوء تفاهمی شده است توضیحی بدهند آقا سید حسن مدرس - اگر چه آقای حاجی آقا فرمایشی توضیحی فرمودند لکن ظاهراً سوء تفاهمی شده است عرض کردم و مدعی العموم باید این کار را بکند انجن ایالتی یا ولایتی شغلی دارند علیحده مثل اینکه پارلمان شغش جعل قانون است و مداخلاتی در این امور جزئی نخواهد کرد خارج از وظیفه او است این که عرض کردم برای اینست که شأن پارلمان اجل از اینست که در این جزئیات دخل و تصرف کند خصوص این گونه امور و راجع بمدعی العموم است مقصود این بود (شروع بشور در قانون ثبت استناد شد)

رئیس - قانون ثبت استناد از ماده صد بیست و چهار کمیسیون که حالا ماده ۱۳۲ است [ماده ۸۴ - از لایحه وزیر را آقای میرزا

تسامح بکنند از تحقیق هویت یعنی آن ترتیبی که لازم است تحقیق هویت را بکنند نکرد یعنی شخص صغیر یا مجنون بود سند را ثبت کرد و این تحقیق صلاحیت رانکرده و تحقیق نکرده که آیا راضی بود یا مجبورش کرده اند این مثل ماده سابق است بلی آن مجازاتی که در ماده سابق است اینچاهم باید باشد هیچ فرقی ندارد این تسامح کرده است در تکالیف آن قید هم باید بشود .

معزز الملک - این ماده هم یک تصویری است از طرف مباشر ثبت اسناد و تقریباً مثل آن تصویری که در بالا ذکر شد حالا نمیدانم در معاملات دو مجازات که هیچ شباهت بهم ندارند چرا معین شده است در آنجا عزل است و از دو سال الی چهار سال قبل از صورتی که در اینچاهم همان تصویر است از خدمت میشود و قناعت کرده اند به همان اخراج از خدمت باید بالنسبه به نزدیک بودن آن تصویر ها خوب ملاحظه تناسب مجازات بشود در این جا هم اضافه بر مجازاتی که می بینند یک حبس برایش معین بکنند

وزیر عدلیه - این فقرة ماده ۱۲۷ با ۱۲۶ مابینشان خیلی توفیر است در اینجا ملاحظه می فرمایند که آن اقدامی که می کنند دلیل بر این است که او عالم و عاقل خودش تقبل کرده است ملاحظه بفرمایند در صورتی که اسناد معمول یا محکوم و قلم رفته را عالم و عاقل قبول کرده یا تاریخ سند را مقدم و مؤخر کرده است این دیگر تقاب است یا این که بکلی قسمتی از دفاتر را مفقود یا معدوم کرده است یا دفاتر را تراشیده یا پاک کرده اینها تمام اعمالی است که نمی تواند در محکمه بگوید من اشتباه کرده ام اینها اعمالیست که دلالت می کند بتقلب او اما این ماده ۱۲۷ برای این است که تحقیق هویت یا صلاحیت اصحاب معامله یا وکلای آنها را نکرده اولاً این را اگر نکرده می تواند در محکمه بگوید من فراموش کردم تحقیق نکردم و ثانیاً بر فرض که ثابت شد که عالم و عاقل هم تحقیق نکرده است ببینم که ما در ثبت اسناد چه چیز را معتبر می دانیم امضاء و تاریخ را ما معتبر می دانیم ولی مندرجات سند را ما گفتیم که با آنها نظر نداریم و این که اینجا نوشته است این من باب احتیاط است تحقیق صلاحیت اصحاب سند آن راجع است به مندرجات سند و در این قانون هنوز نخواستیم اهمیت زیاد به مندرجات سند بدهیم در اینجا فقط اهمیت می دهیم بتاريخ و امضاء فقط از حیث تاریخ امضاء معتبر است مندرجات سند را درجه دوم قرار می دهیم و این که اینجا مجازات را کمتر قرار داده ایم برای این است که اعمال ظاهری این جا نیست که دلالت بکنند بتقلب این است که مقنن و آنکس که این ماده را پیشنهاد کرده است فکرش این بوده است که مجازات این باید کمتر از ماده قبل باشد بدو جهت است یکی آنکه در ماده قبل دلالت بر تقابل داشته است ولی در این جا احتمال دارد که تقابل نباشد اعمال باطنی است نه اعمال ظاهری و دیگر آنکه از حیث مندرجات سند اینقدر اهمیت نمی دهیم که بتاريخ و امضاء و آن چیزهایی که نوشته شده است اهمیت می دهیم یا اینکه

دیگر این حبس ندارد ولی از طرف دیگر عزل از خدمت دولتی و عدم قبول او در هیچ خدمتی این خودش یک مجازات بزرگی است .

حاج آقا - تقریرات آقای وزیر به چه بنده را اقتناع نکرد بواسطه این که بنده می بینم که این ماده ۱۲۷ در بعضی مواقع بالنسبه بعضی اجزاء و شرایط ماده ۱۲۶ امتیاز خیلی بیشتر اتفاق می افتد می فرماید که ما عده چیزیکه در نظر داریم تاریخ و امضاء سند و بعضی چیزهای دیگر است بمضمون سند نظر نداریم و علاوه آن چیزهایی که در ماده قبل بود و مجازات سخت برای او قرار دادیم آن چیزهایی که خود آقای مشیر الدوله وزیر عدلیه خود شان تصدیق خواهند فرمود اینکار را بکنند در جزع اول که میگوید از او معمول یا محکوم یا قلم رفته باشد ممکن است که ادعا بکنند که این سند محکوم بود بنده در مقام ثبت کردن درست ملتفت نشدم این را میتوانم انکار بکنم حالا انکار کردن او اگر در محکمه از اثباتش عاجز باشد این یک چیزی است حالا ممکن است اهمیتی بانکار او ندهیم آن همین نظری است که بنده پیش عرض کردم والا اگر مقام انکار باشد میتواند و همچنین در جزء چهارم که بالنسبه بتاريخ ثبت اسناد میگوید اشتباه کرده ام این راهم ممکن است ادعا بکنند ولی باز اهمیت بانکار او نمیدهم بجهت اینکه اهمیت ندارد و همچنین اگر سندی بالنسبه با شخص موهوم باشد و ایراد کردند آقای مغبّر اینطور جواب دادند که معنی اشخاص موهوم این است که ترتیب معلوم در مقام اثبات هویت نیامده آنوقت عین همان مطلب در اینجا میآید بواسطه اینکه اگر همان شخص تحقیق هویت رانکرده باشد و ترتیب معمولی رفتار نکرده یا تحقیق صلاحیت شخصی رانکرده و آنوقت به راه کمیابستی انجام بدهد نداده آنوقت همان ضررهاییکه در مواد پیش وارد میآید در همین جا هم وارد میآید زیرا که فرقی نمیکند و قتیکه تحقیق هویت شخص را نکرده مثل این است که یک شخص دیگری را میآوریم و باسم شخص دیگری یک ملک را بفروشد بن و ابتدا هیچ تحقیق نکند بر میدارد سندی بنویسد و آن بیچاره را در زحمت بیندازد البته باید بر او معلوم شود که این کیست بلی در حالی که وظیفه او این بود که اثبات هویت او بشود یعنی بفهمد این شخص فروشد همان شخص است این هیچ تحقیق نکرد بجزر این که با او اظهار شد برداشت نوشت چه سند چه بیع مصالحه چه غیر اینها البته این تقلبش واضعتر از آن است و عدم انکار بالنسبه واضح است اگر در ماده قبل و اقامت احتمال میدهد که یک اشتباهی کرده و سهوی شده باشد اما این یقیناً تقابل است تحقیق کردن از هویت او این تکلیف او است باید تحقیق هویت بکنند نکرده است این تقابل است که تحقیق نکرده است میفرمایند میگوید که من فراموش کردم تحقیق کنم این وظیفه مباشر است از او نمیشوند و همچنین در مقام تحقیق صلاحیت یک صغیری میآید سندی را ثبت کند نبرد به بیند این صغیر است یا صغیر نیست معنون است یا مجنون نیست سفید است یا سفید نیست این عیناً همان ماده است و من تصور نمیکنم که مجلس کمتر از آنها باشد و همان مجازات باید در حق او بشود .

اداره ثبت سندی را ثبت نماید که مفاد آن مخالف قانون مقرر باشد از شغل خود معزول و به هیچ شکل دولت قبول نخواهد شد و بعلاوه از چهار الی هشت ماه محکوم بحبس میباشد .

رئیس - مخالفی هست؟ (انتظار الواعظین بنده .)

افتخار الواعظین - این ماده را بنده با آن ماده ۱۲۶ خیلی مخالف می بینم بواسطه اینکه میگوید هر گاه اجزاء اداره ثبت سندی را ثبت نماید که مفاد آن مخالف قانون مقرر باشد از شغل خود معزول یکی از موادی که برخلاف قوانین مقرر است که سندی را ثبت میکنند همانمورد ماده ۱۲۶ است یکی از موارد همان است و خود آن ماده هم یکی از قوانین مقرر است آنجا از برایش مجازاتی معین کردیم و از دو سال الی چهار سال حبس خواهد شد و به شغل دولتی هم دیگر معین نخواهد شد ولی اینجوشو شیم از ۴ الی ۸ ماه حبس خواهد شد و حال آنکه یکی از موارد همان قانون مقرر است این ماده کذا کرده .

آقا شیخ ابراهیم - سند محکوم با قلم رفته یا جعلی ربطی بقوانین مقرر ندارد که نباید مباشر اسنادی را که مخالف قوانین است ثبت بکنند این آن است مثلاً فرض بفرمایند که یک معامله قماری را ثبت کرده است این ربطی بصحت سند ندارد که محکوم بوده است غیر خوب سندی هم بوده است لکن مضمون او مخالف قوانین است و این چرا مجازاتش کمتر است چون ضرری بخارج ندارد فقط یک کاری خط و خطائی کرده نه اینکه یک آثاری بر خطای او مرتب خواهد شد همینکه این خلاف قانون را مرتکب شده است مجازات او کمتر است و این ربطی به ثبت کردن سند محکوم ندارد که در ماده قبل ذکر شده .

بهجت - آقای وزیر عدلیه در ضمن بیان فرمودند آن چیزی که منظور نظر است در ثبت اسناد تاریخ و اقرار او است یعنی مفاد سند منظور نیست یعنی کسیکه مباشر ثبت شده است مفاد سند را منظور خواهد داشت و اگر ما خواسته باشیم که این مسئله را ضمیمه کنیم باید مفاد سند را هم منظور بداریم و باید بگوئیم که مباشر ثبت باید عالم بتمام قوانین باشد بجهت اینکه اگر یک سندی را آوردند پیش مباشر ثبت و او ثبت نکرد این دلیل بر بطلان آن سند خواهد شد بجهت اینکه او را خلاف قانون دانسته است معین حقایق سند و بطلان سند خواهد شد و حال آنکه ما همچو مقامی از برای مباشر ثبت قائل نشدیم پس وقتی که مابک همچو مقام و شانی از برای اومعین نکرده ایم یعنی مخالف و موافقت قوانین را او معین نکند پس نباید یک همچو مجازاتی از برای اومعین کنیم .

وزیر عدلیه - در این مسئله گویا درست ملتفت نشده اند بنده لازم است که توضیحی بدهم بنده عرض نکرده ام که مفاد سند عرض کردم مشمول مندرجات سند نیست یعنی اگر سندی یک معامله را بیاورند پیش مباشر ثبت و تمام این ترتیبی را هم که نوشته شده است بعمل بیاورند تحقیق هویت را بکنند اصحاب معامله و وکلاشان را حاضر بنمایند این ترتیبات تمام صحیح بشود بعد یک خلاف شرعی پیدا شود یعنی این معامله یک فسادی پیدا می کند این ربطی

ب اداره ثبت اسناد ندارد چون این سند در اداره ثبت اسناد ثبت شده است حتماً باید صحیح باشد و نباید باطل باشد این مسئله امروزه در مملکت ما صورت نمی گیرد برای این که اسبابش از برای ما فراهم نیست البته یک وقتی میشود که ما بتوانیم آن اسباب را فراهم کنیم و بتوانیم اداره ثبت اسناد را بدرجه برسانیم که وقتی که آن سند آنجا ثبت شد ما از مندرجات و از حیث معامله هم بتوانیم مطمئن باشیم که دیگر اشکالی نشود ولی این کی خواهد بود وقتی یک دفتر جنایاتی ترتیب بدیم و چون باید کارها ترتیب شود حالا اینطور می نویسیم و البته یک روزی میرسیم بآنجا که این کار را هم می کنیم ولی امروز با این بی اسبابی نمی توانیم آن کار را بکنیم بنده مقصودم از فساد آن بود که اینجا فرمودند مقصود بنده صحت فساد معامله است که این خانه را من فروخته ام این صحیح است یا ناصحیح اما اینکه میفرمایند مباشر ثبت باید عالم بتمام قوانین باشد این یک چیز مسلمی است قوانین شرع ما را هر کسیکه مسلمان است البته میداند و از اصول و فروع و شرع مستحصر است یعنی اصول دین خود را البته می داند و آروش مسائل شرعیه با اطلاع است میداند کدام صحیح است و کدام فبیح حالا آمدیم سر قوانین مملکتی دولت یک نوع معاملات در در مملکت خودش قبول نمیکند مثلاً میگوید اسلحه نباید در مملکت وارد شود جوهر را نمی گذارد در مملکتش داخل شود و بعضی چیزهایی که مضر بمصالح مملکتی میداند و صورت اینها هم معین است همانطور که گفتیم صورت املاک موقوفه و اشخاص ورشکست را نباید صورت داشته باشد و هم چنین املاک دیگری که آمده بکمیسیون رجوع شد و کارهاییکه دولت جائز نمیداند اعمال این را در مملکت خودش بجا نهد ثبت اعلام میکند و او همچو سندی را نباید ثبت بکنند مقصود این است .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است یک اصلاحی آقای مدرس پیشنهاد کرده اند فرائت میشود (پیشنهاد مذکور بمضمون ذیل فرائت شد) - بنده پیشنهاد میکنم که مجازات حبس در ماده ۱۲۷ و ماده ۱۲۸ تبدیل شود باسترداد حقوق کلا و بعضاً بحسب اهمیت تقصیر .

آقا سید حسن مدرس - چون آقایان فرمودند حبس این خیلی اصلاح داشت ما اگر از اول مستخدمین را اعلام بکنیم که هر کس خیانتی کرد استعفا و جهی ندارد و باید از حقوقش کسر شود زیرا که استعفا حق ندارد لهذا بعد از آنکه تقلبی از او ظاهر شد همان وجه را از او استرداد کنند و هیچ معظوری هم ندارد و اختلافش هم بحسب اهمیت تقصیر یک سال دو سال یا کمتر دو ماه حقوقش را استرداد کنند و آنهم بسته است بنظر محکمه و صدمه هم که بر او هست از این قطع حقوق و مستخدمین بعد از این دیگر تقلب نخواهند کرد و خرجی هم بر دولت متحمل نیست اما اینکه حبس میکنند مثلاً دو سال حبس این یک فقره فوق العاده برای دولت وارد میآید که هیچ فائده ندارد اینجا آن خدمات را دیگر ندارد و یک چیزی بگیرد دولت میآید هیچ معظوری هم ندارد .

آقا شیخ ابراهیم - این پیشنهاد را در کمیسیون نظر کرد و لکن این نظر اول است و این هم خیلی مشکل است فرض بفرمایند که ده سال خدمت کرده است یا یکماه و امروز یک کاغذ محکوم کی را ثبت کرده است بگوئیم در اول که چقدر از حقوق او بنظر محکمه کسر بگذاریم حقوق یکماه او را کسر یا حقوق ده ساله او را ندهند بلکه یکماه است که آمده است سر خدمت و همچو کاری کرده است بگوئیم حقوق یکماه او را ندهند پس این با آن کسی که ده سال خدمت کرده است چه فرقی دارد که حقوق ده ساله او را برگردانند و این یکی را حقوق یکماه اش را ندهند و این راهم راجع بنظر محکمه کنیم هیچ درست نمیشود این بسته بنظر کمیسیون است که هر چه صلاح بداند .

رئیس - بقابل توجه بودن این پیشنهادی میگیریم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (با اکثریت رد شد)

ماده ۱۲۹ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای مذکوره اسنادی را که نزد آنها برای ثبت یا تصدیق میآورند افشاء نمایند یا صورت ثبت دفتر و سواد اسناد را بکسی بدهند که حق گرفتن آنها ندارد و از مستثنیات قانون هم نیست معزول شده بخدمت دولت دیگر قبول نخواهد شد و بعلاوه از چهار الی هشت ماه محکوم بحبس میباشد .

دکتر حاج رضا خان - این ماده هم مثل ماده پیش است که در حد اقل واکثر بود حالا اینجا نوشته چهار الی هشت ماه این نسبت چهار بهشت نصف است و حد اقل نیست مثل آن ماده هم که از دو سال الی چهار سال نوشته بودند تقریباً چهار سال را آقایان نمایندگان زیاد نمیدانستند فقط نظر در حد اقل بود که دو سال را در حد اقل زیاد میدانستند بنده در آن وقت هم اجازه خواستم نوبت بنده نرسید حالا اگر دو را با هشت مناسب بگیرند بهتر است که اقل ربع است ولی چهار الی هشت این نصف است و اقل نیست

آقا شیخ ابراهیم - آنجا دو سال الی چهار سال بود اینچاهم چهار الی هشت ماه است .

حاج آقا - بنده با مجازاتی که در این ماده قرار داده شده است نسبت بتقصیر کم میدانم بواسطه اینکه ممکن است از افشاء سند و دادن سواد بدیگری که حق گرفتن را ندارد همان ضرری وارد بیاید بطرف مقابل که در ثبت اسناد با عدم هویت و در آن چیزهایی که سابق گفتیم وارد بیاید و در باب تقصیر نمیتوانیم این اندازه میزان بگیریم و اینقدر کم بگوئیم که از چهار الی هشت ماه حبس قرار بدیم بنده تقاضا میکنم که از هشت ماه الی دو سال میزان گرفته شود و این خیلی بنظر بنده اهمیت دارد .

آقا شیخ ابراهیم - آن اولی مطالبی بود که سند را از اعتبار میانداخت سند کالعدم می شد ولی اینجا آن ضرر متوجه نیست سند بجای خودش باقی است اعتبارش هم باقی است نهایت باید بدیگری اطلاع ندهد داده است و الا ترتیب سند هیچ ضرری وارد نشده است این گانه یک چیزی است که شاید اسباب دعوائی بشود و الا این یک تقلبی و خیانتی نیست بآن درجه اول و این مجازات هم کم نیست از خدمت معزول میشود و دیگر بخدمتی قبول نمی شود و علاوه حبس هم می شود بعضی اینکه مضمون سند

را بکسی گفته است این کم مجازاتی نیست برایش کدام نمی کنیم کم باشد .

[در این موقع پیشنهادی از طرف حاج آقا بمضمون ذیل فرائت شد] .

بنده تقاضا می کنم که مجازات در ماده ۱۲۹ از هشت ماه الی دو سال قرار بدهند .

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح کسانی که اصلاح حاج آقا را قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) .

ماده ۱۳۰ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای مذکوره پول را پیش از آنچه قانون معین می کند در اداره نگاهداشته بخزانه دولت نفرستند ملزمند که دو مقابل آن را بخزانه عاید دارند .

هشترودی - بنده اعتقاد این است که اول باید آن مقدار پول را معین کرد که ناچه اندازه کشد باید بفرستد بخزانه و بعد از آن دو مقابل خیلی زیاد است مثل فرض بفرمایند صد تومان را دو سه روز در اداره نگاهداشت و نفرستاد بعد از آن باید آن صد تومان را گرفت و دوپست تومان هم از او بگیرند این اگر اینطور است خیلی زیاد است اگر بنویسند آن پول را و یک مقابلش را آن وقت باز هم زیاد می شود .

وزیر عدلیه - مقصود این است که پنجاه تومان مثلاً می تواند نگاه بدارد پیش از پنجاه تومان نباید نگاه بدارد حالا این پنجاه تومان پیشتر شد و نفرستاد آن وقت میگویند دو مقابل پنج تومان که ده تومان باشد رویش بگذارد بفرستد .

رئیس - مخالفی دیگر نیست - دو فقره اصلاح است خوانده می شود و بقابل توجه بودنش رأی گرفته شود .

اول - اصلاح از طرف آقا میرزا ابراهیم - خان این بنده پیشنهاد می کنم که مجازات راجعه بتقصیر در ماده ۱۳۰ به نفع مقرر ماهانه مباشرت تبدیل نمایند .

پیشنهاد دوم از طرف معزز الملک - بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۳۰ این قسم نوشته شود هر گاه اجزای مذکوره بیش از مدت و مبلغ مقرر در اداره نگاهداشته الی آخر ماده این جمله اضافه بشود .

آقا میرزا ابراهیم خان - علت این پیشنهاد بنده این است که چون مبلغ این معین نیست که چقدر را اگر نگاه بدارد باید دو مقابل آن را باید یک مبلغی شد که نتوانست از عهده جریمه معینه برآید خواستم معین باشد که مبلغ جریمه که بر او تحمیل میشود یک نفع مقرر او باشد .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن اصلاح آقا میرزا ابراهیم خان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (با اکثریت رد شد) - مجدداً اصلاح معزز الملک فرائت شد .

آقا شیخ ابراهیم - این تعیین میشود ممکن است یک ماه نگاهداشته دو ماه سه ماه چهار ماه پول را نگاهداشته است این معین نیست چون پول زیاد شده است و این نفع ماهانه پول یک ماه است این است که معین نیست آن چیزی که از

آن مبلغ معینه اضافه نگاه میدارد دو مقابلش را باید بدهد .

فهییم الملک - پیشنهاد بنده با اصل ماده مخالفتی ندارد فقط يك كومه نوشته ام بترتیبی که مدت معین می کند چون برای ترتیب خزانه داری و نگاهداشتن پول قانون وضع نمی شود این بسته است بترتیب اداری که نسبت بمحل و مأمورین يك قانونی معین می کند که از روی همان عمل بشود که مأمورین آن وزارت خانه تا فلان مبلغ را در فلان مدت می تواند برساند اینها چیزهایی است که نظام نامه داخلی معین میکند اینچنین نوشته اند قانون چیزی است که بیاید بمجلس اینها را نظامنامه داخلی معین میکند ولی جمله مدت و مبلغ مقرر اضافه شود بهتر است حالا نظامنامه و قانون هم شد ضرری ندارد .

وزیر عدلیه - این صحیح است در این قانون نوشته بشود خیلی خوب است برای اینکه يك سندی شود در آن پیشنهاد وزارت هم بود که وقتی تا پنجاه تومان شد باید بفرستد و نگاه ندارد وقتی که هم بنام مبلغ را معین میکنیم دیگر مدت لازم نیست بجهت اینکه ممکن است در يك جا يك روز پنجاه تومان بشود و در جای دیگر يك ماه پنجاه تومان بشود پس مدت لازم ندارد و همان مبلغ را اضافه کنند کافی است .

رئیس - کمیسیون هم قبول دارد این اضافه را .

آقا شیخ ابراهیم - بلی چه ضرر دارد و خیلی خوب است .

رئیس - دیگر مخالفتی نیست - ماده ۱۳۱ قرائت میشود .

ماده ۱۳۱ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای مذکور حقوق دولت را کمتر از تعرفه مقرر اخذ نمایند ملتزم اند که دفعه اول دو مقابل دفعه دوم سه مقابل و دفعه سیم چهار مقابل بجزانه دولت عاید داشته بعلاوه معزول شوند .

رئیس - مخالفتی نیست ماده ۱۳۲ قرائت میشود ماده ۱۳۲ از راپورت کمیسیون - هر گاه معلوم شود که اجزای مذکور حقوق دولت را تماماً اخذ کرده ولی تمام یا قسمتی از آن را پنهان کرده اند در عداد سارقین اموال دولت محسوب و بکل از خدمت دولتی معزول و از شش سال الی ده سال بسته با اهمیت تقصیر محکوم بحبس میشوند .

رئیس - مخالفتی نیست ؟

حاج سید ابراهیم - بنده چون اینجا می بینم دو فقره نوشته است یکی این است که يك قسمتی از حقوق دولت یا تمام را اخذ کرده است و پنهان نموده است این اعم از کلمی و جزئی است در جزئیش دیگر شش سال حداقل قرار دادن این زیاد است خوب است بنویسد حداقلش را از يك سال الی ده سال بنده در حد اکثرش حرفی ندارم ولی حد افش زیاد است

آقا شیخ ابراهیم - برای سارقین دولت اندازه نمی توان قرارداد سارق مال دولت را باید

مجازات داد تمام را پنهان کرده است یا نصفش را فرق ندارد قانوناً وقتی مجازات سارقین معین خواهد شد یا باید نصف این وضع شود یا همین است .

رئیس - مخالفتی نیست ؟ ماده ۱۳۳ قرائت می شود .

ماده ۱۳۳ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای مذکور علاوه بر تعرفه مقرر وجهی اخذ کرده و بحساب دولت نیارده باشند در حکم مرتشی بوده از خدمت دولتی بکلی معزول و از چهار سال الی هشت سال محکوم بحبس میباشد ولی اگر بحساب دولت آورده باشد زیاده از خزانه بصاحب آن مسترد و اجزائی که زیاده اخذ کرده اند بموجب ماده ۱۳۱ مواخذه میشود .

رئیس - مخالفتی نیست ؟ ماده ۱۳۴ قرائت میشود .

ماده ۱۳۴ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای اداره ثبت مقررات این قانون رادر باب گذاشتن جای سفید در دفتر تصحیح اضافه و عده سطور و سایر ترتیبات مقرر در ماده ۸۶ و ۷۳ و همچنین دستور - عملهای وزارت عدلیه را در باب دفاتر مزبوره رعایت نمایند دفعه اول ثلث مقرری مادیانه آنها موضوع دفعه دوم شش ماه از خدمت آنها کسر و دفعه سیم از خدمت معزول میشوند .

رئیس - مخالفتی نیست ؟ ماده ۱۳۵ قرائت میشود

ماده ۱۳۵ از راپورت کمیسیون - در مواردی که اجزای مذکور بواسطه غفلت یا مسامحه امور اداره را معوق و تعطیل میدارند بترتیب ذیل مورد مواخذه میشوند :

دردفعه اول توبیخ و شماتت دفعه دوم توبیخ و شماتت با درج در ورقه خدمت آنها دفعه سیم کسر ربع مقرری ماهانه آنها و در دفعات دیگر در همان سال از سه الی شش ماه از خدمت آنها کسر می شود .

رئیس - مخالفتی نیست ؟

حاج سید ابراهیم - عرض بنده این است لفظ شماتت خوب نیست تقبیح و تمجید بنویسند بهتر است .

رئیس - دیگر مخالفتی نیست ؟ ماده ۱۳۶ قرائت میشود

(فصل دوم الحاقی - ماده ۱۳۶ از راپورت کمیسیون عبارت ذیل قرائت شد) مقرری اجزای اداره ثبت اسناد موافق قانون مقرری مأمورین و مستخدمین دولتی معین میشود علاوه بر مقرری مذکور يك اضافه در محل عایدات

رئیس - این دو ماده است یا یکی ؟

آقا شیخ ابراهیم - دو ماده است اولی همان يك سطر اول است تا معین میشود .

رئیس - مخالفتی نیست [اظهاری نشد] ماده ۱۳۷ قرائت میشود .

ماده ۱۳۷ از راپورت کمیسیون - علاوه بر مقرری مذکور يك اضافه از محل عایدات مباشر ثبت همه

ماهه در حق مباشرین ثبت منظور میشود مقدار این اضافه نظیر مقتضیات محلی نباید از صدی پنج عایدات مباشرت کمتر و از صدی ده بیشتر باشد اضافه هر محزرا وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه معین و صورت اضافات مذکور را به مقامات لازمه پیشنهاد می کند .

افتخار الواعظین - در این ماده ۱۳۷ چنین می فهماند که اداره ثبت اسناد یکی از ادارات مهمه است و باید در حق اجزاء و اعضاء این اداره کمال رعایت بشود و مثل اینکه در باره اخلاق و دیانت آنها کمال اهتمام بود ولی اینجا نوشته شده است مقرری اعضاء ثبت موافق قانون مقرری مستخدمین دولتی معین می شود و به علاوه يك اضافه هم از عایدات ثبت اسناد می دهند این اگر نسبت با اهمیت این اداره است که خیلی از ادارات دولتی است که خیلی مهم است خود محاکم عدلیه را بنده مهم تر از مباشرین ثبت اسناد می دانم چطور میشود در حق آنها کفایت خواهد شد بهمان مقرری که در حق تمام مستخدمین دولت معین میشود ولی مباشرین این اداره ثبت بعلاوه از مقرری قانونی يك اضافه حقوقی هم مقرر میشود از عایدات برای آنها .

آقا شیخ ابراهیم - علت آن این است که این کاری است که هر قدر مباشر در آن دخل داشته باشد بیشتر زحمت می کشد که مردم را راه بیندازد و معطل نکند برای اینکه يك وجهی از آن عمل اخذ می کند و مقرری او هر طور باشد این را باید قرار داد که از ماهیانه هر چه در آورد قسمتی از آنرا باید ببرد .

حاج سید ابراهیم - بنده این جمله و صورت اضافات مذکور را به مقامات لازمه پیشنهاد می کند را زائد می دانم بجهت اینکه وزارتین عدلیه و مالیه خودشان معین می کنند تعیین اضافات هر محل را این اضافات که يك قانون خیلی بزرگی نیست که بیاورند بمجلس .

وزیر عدلیه - این البته باید از مجلس بگذرد وزارتین عدلیه و مالیه چطور میتوانند از عایدات دولت بردارند بنده بمباشرین ثبت .

فهییم الملک - اصل مدلول این ماده خیلی چیز صحیحی است برای تحصیل داران و مأمورین که مباشر این عمل هستند باید يك همچنین چیزی اضافه بر مقرری بآنها داده شود ولی وقتی که بنامد که يك همچو اضافه از عایدات محلی بمباشرین ثبت بدهند صدی ۵ زیاد است در این مواقع صدی نیم یا صدی يك یا صدی دو متنها بآنها بدهند کافی است ولی با حقوق کافی صدی ۵ بآنها بدهند این را بنده زیاد میدانم .

رئیس - يك اصلاحی پیشنهاد شده است می خوانیم و مجلس را ختم می کنیم .

(اصلاح مزبور از طرف آقا سید محمد رضا بعبارت ذیل قرائت شد) چون در مواد مجازات برای مباشرین ثبت اسنادی که از اسناد امانتی در ادارات بمدعی صاحب سند بدهد معین نشده لهذا بنده پیشنهاد می کنم که این ماده ذیل اضافه شود هر گاه مباشر ثبت اسناد سندی را که در اداره مباشرت

امانت گذارده اند بمدعی صاحب سند بدهد از خدمت دولتی بکلی معزول و دیگر در هیچ خدمتی قبول نخواهد شد بملاوه از ۲ سال الی چهار سال حبس خواهد شد .

آقا سید محمد رضا - بنده بنظر مردم در مواد گذشته یکی از وظایف مباشر این بود که امانت مردم را قبول بکنند و این امانت هم امر مهمی است و اگر یک مباشر نبیتی یک سندی را که امانت باو سپرده شد بمدعی او بدهد این یک خیانتی است خیلی بزرگ و در این جا مجازات از برای او معین نشده است و این مجازاتی را که بنده معین کردم زیاد نیست .

آقا شیخ ابراهیم - صحیح می فرمائید فراموش شده برای آن یک مجازاتی معین نشده است **رئیس** - آقای مخبر این را قبول دارید؟

آقا شیخ ابراهیم - بلی **رئیس** - این موادی که در ضمن شوررجوع شد بکمسیون از مخبر سؤال می کنم تا روز شنبه آینده حاضر می شود . چون دستور معین میشود . **آقا شیخ ابراهیم** - کمسیون تشکیل بشود اصلاح می کنیم گمان می کنم برسد .

رئیس - علی ای حال جزء دستور روز شنبه آینده می گذاریم . دستور شنبه آینده قانون استخدام - و بقیه ثبت اسناد .

[مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد] .

جلسه ۲۳۳

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۱ شهر

ربیع الثانی ۱۳۳۹

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع رسماً تشکیل شد

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود

(غائبین جلسه قبل) دهخدا . ناصر الاسلام بدون اجازه او اعدالدوله با اجازه غائب بودند . آقا شیخ محمد حاج وکیل الرعایا . حاج آقا . آقا شیخ علی شبرازی . آقا سید محمد باقر ادیب . نیر السلطان . حاج امام جمعه . مصدق الممالک بموقع مقرر حاضر نشدند .

رئیس - آقای ناصر الاسلام در صورت مجلس ملاحظه داشتید ؟

ناصر الاسلام - در صورت مجلس اسم مراجع غائبین بدون اجازه جلسه قبل نوشته بودند در صورتیکه بنده قبلاً عرض در خصوص علت مزاج عرض کرده و استعجازه نموده بودم .

رئیس - بله اجازه داده نشد **ناصر الاسلام** - اگر باشخصایکه علت مزاج داشته باشند اجازه داده نمیشود پس خوب است قانونی وضع کنند یا اینکه همان طوریکه آقای دکتر علی خان در چندی قبل اظهار کرده بودند که اشخاصی که اظهار مرض میکنند رجوع بکنند یکی

ازد کترهای مجلس والا وقتیکه علت مزاج پیدا شد دیگر نمیشود حاضر شد

رئیس - پیشنهادی اگر بایست در این خصوص بشود رئیس نباید پیشنهاد بکنند یکی از نمایندگان می توانند پیشنهادی بکنند که برنظام نامه داخلی افزوده شود ولی اگر بنا باشد که بنده همه روز معاذیر علت مزاج و غیره را قبول بکنم مجبور می شوم که هرروزه افلا بیست اجازه بدهم و اگر این طور باشد هیچ وقت عده برای مذاکره و رأی کافی نخواهد شد حالا این مطلب اگر مطلب صحیحی است ممکن است بطور ماده العاقبه پیشنهادی بکنید .

ارباب کیخسرو - بنده در صورت ملتفت نشدم گویا در صورت مجلس یک کلمه خارج نوشته شده بود می خواستم عرض کنم اگر نوشته شده است فارسیش نوشته شود .

رئیس - در کجا نوشته شده است **ارباب کیخسرو** - در صورت مجلس

رئیس - در کجای صورت مجلس . **ارباب کیخسرو** - در قسمت راجع بقانون منع احتکار .

رئیس - همچو چیزی نوشته نشده است - در صورت مجلس گویا ملاحظات دیگری نیست (اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

رئیس - دستور امروز راپورت کمسیون نظام نامه داخلی در باب دیر آمدگی و غیبت شور در بقیه قانون ثبت اسناد است ولی قبل از آنکه داخل دستور بشویم راپورتنی از کمسیون عرایض رسیده است که مضمونش را عرض می کنم - آقای کاشف سه ماهه اجازه مرخصی خواسته بودند و کمسیون دو ماهه تصویب کرده است حالا بدون مذاکره راپورت کمسیون عرایض رأی می گیریم آقایانیکه با راپورت کمسیون عرایض و مرخصی در باب مرخصی دو ماهه آقای کاشف که کمسیون تصویب کرده است موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با کثرت تصویب شد در جلسه گذشته فراموش کردم عرض کنم که آقای لواء الدوله با (۳۰) رأی و آقای میرزا رضا خان با (۴۱) رأی برای اداره مباشرت انتخاب شدند .

(راپورت کمسیون نظام نامه داخلی را آقای فهم الملک بعبارت ذیل قرائت نمود) کمسیون نظامنامه داخلی روز دوشنبه (۱۶)

شعبان المعظم ۱۳۲۸ یکساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک برای ملاحظه طرح قانونی کمسیون مبتکرات و طرح آقای ارباب کیخسرو که از مجلس رجوع شده بود فوق ماده منمقد گردید پس از مذاکرات لازمه درباره هر دو طرح مرجوعه رأی کمسیون بمناجبات مهمه و ملاحظات عدیده بر اینقرار گرفت که بدو طرح قانونی فقط در مورد تأخیر و غیبت در رأی مجلس از قرار تفصیل ذیل بمنوان اصلاح بجای جمله دوم ماده (۱۲۰) نظام نامه داخلی تقدیم مجلس شورای ملی شود .

اصلاح - عوض جمله دوم ماده ۱۲۰ نظامنامه داخلی باید اینطور نوشته شود اشخاصیکه از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بدون اجازه تأخیر نمایند یا در موقع دادن رأی در مطالبی که جزء دستور آن جلسات است بدون عذر موجه غیبت نمایند بهر نیمساعت تأخیر و بهر سه ساعت غیبت در یک جلسه در موقع رأی ثمن مقرری یک روزه آنها کسر خواهد شد بملاوه مدت غیبت آنها در صورت مجلس و در روز نامه رسمی اعلان خواهد شد .

رئیس - عرض میکنم که شور اول این ماده بمعمل آمده است این شور دوم است و رأی خواهیم گرفت .

معاضد الملک - بنده با راپورت موافقم و فقط در یک جزئی مخالف می باشم و آن این است که ثمن مقرری را کم می دانم و کتباً تقاضای کم کنم که ریم مقرری یک روزه کسر بشود

ارباب کیخسرو - اینکه ثمن مقرری نوشته شده است بملاحظه این است که هر جلسه لااقل چهار ساعت طول خواهد کشید و از روی یک مأخذی است که این طور نوشته شده است

آقا شیخعلی شیرازی - این که نوشته شده است رأی در مطالبی که جزء دستور است بنده نمی فهمم بجهت اینکه اگر مراد رأی است که در مجلس گرفته میشود که این قید لازم نیست و اگر مقصود از این قید احترازی است یعنی امروز فرضاً دستوری معین شد و بعد قطعاً یک رأی در آن گرفته شد که این هم باید توضیح بشود

لسان الحکما [مخبر کمسیون] این برای آن مطالبی است که قبلاً در دستور جلسه معین شده است که عمداً بیرون نرود و الا اگر یک مطلبی را که مطلع نبوده و بمجلس آمده و در مجلس هم یک رأی خارق عادتی گرفته بشود و اتفاقاً هم نیم ساعت خارج باشد عیبی ندارد .

فهم الملک - اینجا یک جمله نوشته اند که بهر سه غیبت در یک جلسه در موقع رأی و این مطلب در شور اول یک شکل دیگری پیدا کرد و آن این است که رئیس اعلان میکنند که رأی باید گرفت و عده هم کافی نیست بعد مدتی طول خواهد کشید تا اینکه جماعتی از خارج بیایند و عده کافی بشود حالا این اشخاصی که مجلس را تعطیل میکنند تا موقع دادن رأی جزء غائبین محسوب خواهند بود یاخیر بجهت اینکه آنوقتی که رئیس اعلان میکنند تا وقتی که رأی میگردد ممکن است دو ساعت طول بکشد حتی اینکه گاهی از اوقات دیده ایم که منجر باین میشود که تنفس داده میشود آنوقت تکلیف این اشخاص چه خواهد بود یکی دیگر هم اصلاح عبارتی است در ابتدا نوشته اند (اشخاصی که) باید نوشته شود (نمایندگانی که) و الا اشخاص ممکن است که تماشاچیها هم باشند .

افتخار الواعظین - اینجا عبارت بنظر بنده خیلی مبهم و مجمل می آید و باید توضیح بشود که مراد از این جمله چیست می نویسد بهر سه غیبت